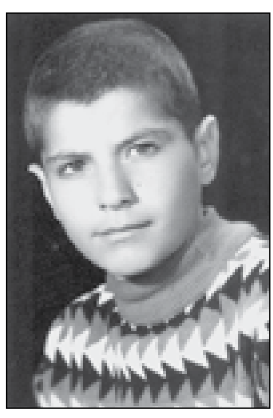

سالیان سال است که از همه چیز می‌گذرد؛ از شب‌های حمله و از روزهای مقاومت؛
از کمیل‌های پنهانی نیمه‌شب پشت خاکریز و از آن آخرین «و ان یکاد» مادر که بدرقهٔ راهشان می شـد.پس از گذشـت این سـال ها به دنبال یادگار های آن روزها هستم تا با مرور خاطرات شان ، شاید کمی هوای آن روزها را استشمام کنم.به همین منظور به پاکدشت رفتیم منزل یکی از آن یاران جنگ که هشت سال دفاع مقدس را در جبهه ها سپری کرده آقای محمدعلی آقا جمالی متولد ۱۳۳۸ دورامین. رفتم که به عنوان برادر شهید درباره شهیدشان بپرسم که متوجه شدم این مرد متواضع و دوسـت داشـتنی خود جانباز است.وقتی آلبوم دوران جبهه را با هم ورق می زدیم و او عکس های دوستانش را نشان می داد با بغض فروخورده و حسرت می گفت این کسانی که کنار عکسشان علامت زده ام همه شهید شده اند. حس کسانی را داشت که از قافله ای جا مانده اند ،قافله ای از جنس نور.
او از جانبازی خود حرفی به میان نمی آوَرَد، آنقدر فروتن و خاکی است که از آثار شیمیایی در بدنش هیچ کس خبر ندارد. ابتدای صحبت از برادرش می گوید شهید حسینعلی آقاجمالی متولد ۱۳۴۴ شهیدی که شهادت را با لباس پاسداری و افتخار در آغوش گرفت.

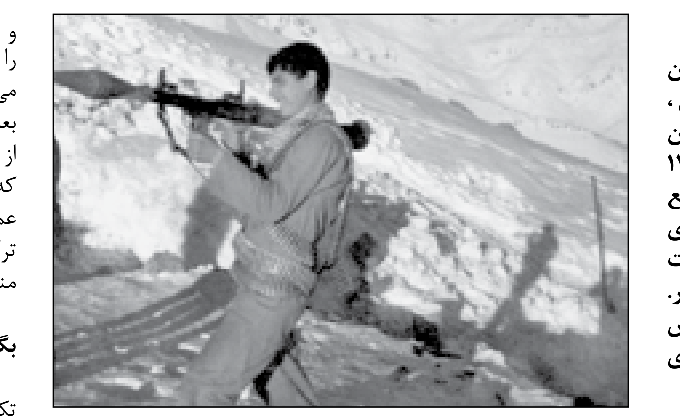

حسین رفت و یک جمجمه ویک قلم پا برگشت !

■ **سیدمحمدمشکوة الممالک**

*** از دوران کودکـی ، نوجوانـی و خصوصیات اخلاقی شهید بفرمایید؟**

آرامش خاصی داشت. خیلی با محبت بود و اهل خانه خیلی دوستش داشـتند.به همه احترام می گذاشت به خواهرو برادرهایش مدام سـر می زد و اگر کمکی می خواسـتند اصلاً دریغ نمی کرد..

در دوران انقلاب عضو بسیج و فعالیت های بسیج بود ،اکثراً شب ها را با بسیجیان محل در خیابان پاسداری مـی دادند. از نظر اخلاقی نسـبت بـه خانواده ، فوق العـاده مؤدب وبا شخصیت بودو با تمام ما برادرها فرق می کرد همیشه تبسم به لبش بود.

***چه طور شد که به جبهه رفت؟**

به لشگر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) رفـت و بـه عنـوان پاسـدار اسـتخدام شـد و بعد هم به جبهه اعزام شد.

در عملیـات والفجر مقدماتی از ناحیـه پـا مجروح شـد . چون ترکش به سـفید رانش خورده بود و نمی‌توانسـتند عمـل کننـد، از بیمارستان جهت استراحت مرخص شد که بعدها عمل روی پایش انجام شود. کمی ماند و دلش طاقت نیاورد دوباره بـرای عملیـات والفجر(۱) به منطقه برگشـت کـه در همان عملیـات در منطقه‌ی فکه شـهید شد وجنازه‌اش آنجا ماند.

*** خانـواده بـا رفتنـش مخالفت نکردند؟**

ایشـان پاسـدار بود و خود را موظف می دانسـت که حتماً برود، خانواده ی ما هم چون معتقد بودند که برای دفاع از اسلام و انقلاب باید هرکاری را انجام داد نسبت به رفتن مـا به جبهـه عکـس العمل منفی نداشتند طوری که همگی به جبهه رفتیم و سـه برادران دیگر بنده هم جانباز هسـتند.این مسئله رفتن به جبهه در خانواده ما موضوعی کاملا پذیرفته شده بود حتی پدرم هنگامی که خبر شهادت حسین آقا را شنید اصلاً گریه نکرد و گفت خدایا رضایم به رضای تو.

***آخرین لحظات خداحافظی خود را با شهید به یاد دارید؟**

زمانی که در لشگر ۲۷ و گردان مقداد بود،بنده هم مسئول ترابری سـنگین لشـگر ۲۷ بـودم. گاهی می‌آمد با هم صحبـت می‌کردیم، یک مقدار در رابطه با خانواده دلتنگ بود،ولی چیزی نبود که مانع ماندنش بشود، سـمَت حسین پیک گردان بود، شبِ قبلِ از عملیات گفتم که برای فردا شب لباس خاکی بپوش، لباس پاسداری نپوش چون احتمال اسارت زیاد وآرم سپاه و عکس امام روی لباس قرار دارد ممکن اسـت که مـورد آزار و اذیت قرار بگیری، شـب عملیات والفجـر (۱) بود در فکه، همدیگر را دیدیم.من در نقطه رهایی ایستاده بودم . حسین با یک لباس پاسداری خیلی مرتب و تمیز آمد. گفتم چرا ایـن کار را کردی، مگر نگفتم لباس بسـیجی بپوش ! گفت این همه زحمت کشـیده ام و امشـب شب عروسـی من است دوست دارم با این لباس ها باشم. با هم روبوسـی کردیم و رفت و دیگر خبری از او نشد.

*** خبر شهادتش را چگونه به شما دادند؟**

مـن خـودم آن جا بـودم در عملیـات والفجـر (۱) شـهید زیاد دادیم، بچه‌ها که برگشـتند عقب، پرسیدم حسـین کجاسـت؟ گفتند که خبری ندارند احتمالاً شهید شده است ، آقای کارور مسؤل گردان بود که خیلی به حسـین علاقه داشت، از نظر اخلاقی حسـین طوری بود که همه شـیفته‌اش می‌شـدند. او چند باری بچه‌ها را شـبانه فرستاد، رفتند اما نتوانستند پیدایش کنند. بعد گفتیم احتمالاً اسیرشده که از اسارتش هم خبری نرسید و مفقود اعلام کردند.بعد از گذشت ده سال از پیکر مطهرش یک جمجمه ، یک قلم پـا ، لباس و پلاکش را برایمان آورده‌اند.

*** آن موقعـی که فهمیدید برادرتان شهید شده، چه حالی داشتید؟**

آن موقـع کـه جامانـده بود مـا بیشـتر فکر مـی کردیم که اسیرشده ،چون کسی از همرزمانش ندیـده بود که تیر یا ترکش بخورد. حسـین آنقـدر بین هـم رزمانش محبوب بود که اگر مجروح می شد و دوستانش می دیدند حتماً او را به عقب می آوردند. حسـین آقا پیک گردان بـود احتمالاً فرمانی ،خبری را برای دیگر فرمانده ها می برده که پنهان از دید بچه‌ها تیر یا ترکشـی می خورد وبه درجه رفیع شـهادت می رسد. بعد که بچه ها به من خبر دادند بنده زنگ زدم به پدرم و گفتم ظاهراً حسین اسیر شده پدرم گفت راضی ام به رضای خدا.

چون مردم ما را می شناختند تشییع جنازه شهید خیلی باشکوه بود .پـدرم از طبقـه دوم به بالکن رفـت و رو به مردم گفت:«من یک پسرم را در راه دین ، امام ، نظام و انقلاب داده ام ،رضایم به رضای خدا .چهارپسر دیگردارم وهمه را تقدیم انقلاب می کنم» روز تشییع جنازه و ختم ،من اشـکی از پدرم ندیدم البته گاهی شـب ها صدای نالـه و گریه اش می آمد اما در روز ختم در مسجد پشت بلند گو همین حرفها راتکرار کرد.در خانواده مادرم بیشتر بی قراری می کرد طوری که ما ساعت ۱۰ شب به بعد، تلفن خانه را از پریز می‌کشـیدیم، به دوستان وآشنایان هم گفته بودیم اگر کاری دارنـد بعد از ۱۰ شـب به منزل ما نیایند چون اگر ۱۰ شب به بعد، در می‌زدند مـادرم از طبقه دوم تا دَمِ در می‌دوید می‌گفت پسرم آمده...

***از ویژگـی هـای معنـوی شهید بفرمایید؟**

بسـیار اهل ایمان بـود از نظر تقوا کسـانی بودند امثال حسـین که ۱۵-۱۶ سـاله بودنـد و با اینکه گناهی نداشـتند همیشه در درگاه خداوند طلـب مغفـرت ورازو نیاز می کردند کسـانی بودند که قبل از عملیات شـب به دورتر از اردوگاه رفتـه و قبـر کنده بودند شـب در قبرمـی خوابیدند توبـه می کردند نماز شب می خواندند و بعد از نماز صبح می آمدند.

***بـا توجه به جانبـاز بودن خود، بفرمایید جانباز چند درصد هستید؟**

برای شیمیایی شدنم مراجعه نکردم اما از دیگـر نواحی بدن ۲۵ درصد هستم.

*** چـه طور شـد بـه جبهه رفتید ؟**

بنـده دروزارت دفاع بودم، قبلاً وزارت جنگ بود که رفتیم دوره هایی را دیدیم. سال ۵۷ که انقلاب شد،به جهاد سازندگی ، بعد هم کمیته‌های انقلاب اسـلامی وبسـیج رفتم. از سوی نخسـت وزیری به سردشت رفتیم، آن موقع سـپاه هنوز کامل تشکیل نشده بود وقتی ما را به آنجا بردند فقط فرودگاه دستمان بود که شب ها فرودگاه را هم با خمپاره ۶۰ می زدند. یک مدتی در آنجا ماندیم بعد مـا را به سردشـت و پادگان محمد رسـول الله بردند.حدود ۴۵ روزی آنجا بودیم که جنگ شـروع شد وبه منطقه اعزام شدیم. شهید چراغی با شـهید همـت، درتیپ محمد رسول‌الله بودند که عملیات مسـلم بن عقیـل و چند عملیات دیگررا شـرکت کردیم و بنده آن جـا مجروح شـدم. یـک ترکش نزدیک سـتون فقراتم خورد که به عقـب انتقالم دادند ،عمل کردند و ترکش را درآوردنـد. بعد از آن به جنوب آمدم و درعملیات مقدماتی و والفجر یک شرکت کردم بازمجروح شـدم. اکثر عملیاتها را بودم.چون هربارکه مجروح شدم آمدم عقب، چند روزی می‌مانـدم ودوباره می رفتم منطقه.مسؤلیت های مختلفی داشتم پیک گردان،جانشین، آماد، ترابری سنگین، تعاونِ تخلیه شهید و...بودم. بعد به مهندسیِ کربلا آمدم و مسئول ترابری سنگین مهندسی کربلا شدم که پل خیبرکه حدود ۱۳کیلومتر بـود و در آب ریختند را بنده مسـئول ترابری‌اش بودم. نرسیده به پلیس راه اهواز پایگاهی بود به نام شـهید صبوری که ۷۰ ۸۰ جرثقیل داشـتیم بانیروهایی حدود ۱۰۰ قراردادی و ۸۰ پاسدار و ۷۰ - ۸۰ بسـیجی ،که عده ای را آموزش دادم و شب‌ها با جرثقیل می‌آمدند و پل‌ها را در آب می ریختند. بعد از آن والفجر (۸) فاو بودیم و از آن جـا هم آمدیم عملیات غدیر که جزء اخرین عملیات ها بود. در عملیات غدیـراز چهار،پنج ناحیه ترکش خـوردم وبه بیمارسـتان منتقل شدم.

***از نحـوه ی مجروحیتتان بگویید؟**

شب داشـتیم می‌رفتیم یک، تک بزنیم و حواس دشـمن را پرت کنیم کـه بچه‌ها عملیـات کنند. حـدود ۱۱ نفر بودیم که از آب باید می گذشـتیم. همانطور که در آب می رفتیم و اسـلحه را روی سرمان گذاشته بودیم یکی ،دو خمپاره ۶۰ زدند کنارمان چون نمی‌توانستیم با سـلاح در آب بخوابیم حدود هفت تا از بچه‌ها شـهید شدند چهار نفر ماندیـم که یکی از آن ها من بودم. شکمم باز شد و همه روده‌هام بیرون بود طوری که حدود ۸۰، ۸۵ تا بخیه خورد .یکی از بچه‌ها شکمم را بست از ناحیـه کتف،چشـم، پاها و پهلو هم مجروح بودم، آن لحظه پسـری که ۱۷ سالش هم نبود چند سیلی محکـم به من زد کـه خوابم نبرد. چون خونریزی شـدیدی داشتیم. ۳۰۰، ۴۰۰ متر من را پیاده آوردند و در یک آمبولانس، گذاشتند ۲۲، ۲۳ نفر در یک آمبولانس بودیم که حـدود ۵۰ مترنرفتـه بودیم چون مدام اطـراف ماشـین را می زدند یک دفعه آمبولانس چپ کرد همه روی همدیگر افتادیم ، یکی دستش قطع بود، یکی پایش قطع بود، یکی شکمش بیرون ریخته بود، خلاصه آمدند و آمبولانس را بلند کردند و راه افتادیم به سمت عقب.از آنجا با یک اتوبوس به بیمارستان اهواز آوردند و با هواپیما فرستادند بیمارستان ۱۷ شهریور آمل.

***از خاطراتتان در آن دوران بفرمایید؟**

به نقطـه رهایی رسـیدیم یکی از بچه‌های تخریب محور را باز کرد ومجروح شـد، ۳۰ نفر از آن محور رد شـدیم که یک نفر روی مین رفت، طناب بلند شد و دیگر کسـی نمی‌توانست این طـرف بیاید بقیه بچه ها ماندند آن طرف برگشتندو پشت خاکریز رفتند. عراقی‌ها متوجه شدند ، ما ۳۰ نفـر جلو رفتیـم ،از رودخانه اول رد شـدیم در حـال عبوراز رودخانه‌ی دوم بودیم که شروع کردنـد به شـلیک گلولـه، من معجزه‌ی خدا را آن جا به چشم خودم دیدم که گلوله ، گیرینوف، دوشکا می‌آمد تا جلوی پیشانی ما و به سمت بالا می رفت، این را با چشم خودم دیدم که وقتی تیرها به نزدیکمان می رسید منحرف می‌شد. بعد نرسیده به خاکریزها ما همگی دیدیم که انگار یک نفر ابری را با دسـت گرفت و جلوی ماه قرار داد، چیز باور کردنی نبود،

ایـن ها چیزهایی اسـت که اگر انسان با چشم خود نبیند، باورش نمی‌شود که آسمان صافِ صاف بود وتمام ستاره‌ها می‌درخشیدند ماه شب چهاردهم بود، که ابر را گرفتنـد و روی ماه قـرار دادند. بچه‌هـا محـور را بـاز کردند و خلاصه به بشـکه‌ها رسیدیم که همگی تله های فوگاز داشـتند، آن جـا بود که یـک کمی باران بارید وتمام فوگازها خنثی شد و ما بالا رفتیم در حال بالا رفتن ما را با گلوله ۱۰۶ می‌زدند، گلوله‌ای کـه برای تانک ونفربر اسـتفاده می شود بچه های ۱۸، ۱۹،۲۰ ساله این ارتفاع را با یا حسین (ع) گویـان بالا می رفتنـد، اگریک نفر می‌افتاد دیگری بالامی‌رفت خلاصه رسیدیم بالا حدود ۲۲، ۲۳ نفـر بودیم بـا نارنجک همه سـنگرها را منهـدم کردیـم و بی‌سـیم زدیم پاییـن آن موقع حاج همت فرمانده سپاه ۱۱ قدر شده بود ، شهید چراغی فرمانده تیـپ محمد رسـول الله،گفتیم حاجی ما آمدیم بالا ،بنده‌ی خدا فکر کرد منافقیم اصلاً باورشان نمی‌شـد، جایی که باید با چهار گردان عملیات می‌شـد، با یک دسته انجام شده باشد. بالاخره بچـه ها آنقدر نشـانی دادند که مطمئن شدند ما خودی هستیم و خیلی خوشحال شدند. آن جا تپه‌های مشرف به مندلی بودکه یادی از فرمانده عزیزمان شهید کلهر می کنم کـه همان جا به شهادت رسید. عظمت ومعجزات زیادی در این هشت سال جبهه دیدم.بنده حتی مدتی خانواده‌ام را هم به دزفول و اندیمشک بردم و آن جا زندگی کردیم درست زمانی که موشک‌باران بودو ما دو فرزند هم داشتیم. جنگ که تمام شد و قطعنامه اعلام شد بازهم آن جا ماندم و بعد از مدت ها برگشتم.

*** در آخـر اگـر صحبتی دارید بفرمایید؟**

از خـدا می خواهم که عاقبت همـه ما را ختم بـه خیر کند تنها دعایی که پدرم سـفارش می کرد این بود که هر کسـی را دوسـت دارید فقط دعا کنید عاقبت به خیر شـود. طلحه وزبیر کِسـانی بودند که با شمشیرشـان گِرد از اسـلام برمی‌داشـتند کسانی که نماز شب و عبـادت خدا را ترک نمی کردند اما آخر و عاقبتشـان چه شـد؟در انقلاب ما هم بسـیار کسانی بودند که به شدت انقلابی بودند اما از خط رهبری و امام فاصله گرفتند و عاقبت رو گردان شدند. ما باید بدانیم کسی که خط امام زمان (عج)،خط ولایت و رهبری را رها کند غیر ممکن است عاقبت به خیر شود.

این نسل جدید که می خواهند آینده‌ی این مملکت را بسازند باید همیشه در راه امام ، ولایت و رهبری ثابت قدم باشند.

خواهر بزرگتر شهید خانم «ام لیلا آقا جمالی» از خاطرات برادرش می گوید:

حسین خیلی با اخلاق ، دین دار و اهـل نماز اول وقت بود. احترام به پدر و مادر و اقوام را رعایت می‌کرد و به صله ارحام بسیار اهمیت می داد. در خانـه کمک حال مادرم بود و با وجود مجروحیت باز به مادر کمک می کرد. او گلچین خانواده ما بود.

خانم جمالی از شب آخری که برادررا می دید می گوید: بی قرار جبهه بود با آنکه هنوز به طور کامل بهبود نیافته بود اما می گفت که می خواهد صبح به منطقه برگردد. آن شب مادرم به من گفت حسـین را به خانه خودت ببر و او را راضـی کن که فردا به جبهه نـرود وصبر کند کـه حالش کاملاً خوب شـود. آن شـب بـا او خیلی صحبت کردم گفتم داداش شوهرمن بیمارستان است (مجروح شده بود) تو پیش من بمان آن زمان من چهار فرزند داشتم هر چه اصرار کردم که مـا تنهاییـم ۱۵ روز به عیـد مانده و کارهای من هم تمام نشـده، هر بهانه ای آوردم گوش نداد گفت تا صبح هر کاری داشته باشی کمکت می‌کنم. آن شـب تا صبح کمک کرد همین طور زیر لب اشـعارآقای آهنگران را می‌خواند و مرا نصیحت می‌کرد،می گفت اگر همسرت شهید شد زینب وار زندگی کن.

آن شب که برادرم این جا بود مادرم با فرمانده سپاه تماس گرفته بود که بیاید و با حسین صحبت کند، او را قانـع کند که تا بهبودی کامل جبهه نرود.به مـن هم گفت صبح بگـو بیاید خانه. من هم این پیام را به برادرم رساندم، ولی برادرم خیلی سـریع به منزل پـدر و مادرم رفت قبل از اینکه فرمانده سـپاه برسـد خداحافظی کرد و عازم جبهه شد.

در پی آن رفتن ،شهادت بود و پس از ۱۰ سال پیکر پاکش به وطن بازگردانده شد. چند روز قبل از رفتن بـه هرکدام از خواهر و برادران خود دو عکس هدیه داد یکی با لباس رزم سپاه و دیگری با اُورکت که به یادگار پیش ما ماند. انگار می دانست در این رفتن برگشتی نیست.

بخشی از وصیت نامه شهید:

«...وامروز افرادی هستند که به ندای رهبر خود لبیک گفتند و راهی دیار عاشقان شدند و معیارهای کل جهان را به هم ریختند.

جنـگ کلاسـیک را به جنگ عقیده تبدیل کردند.

خود را سدی در برابر گلوله های دشمن می کنند،نه این فنا نیست،این نابودی نیست بلکه بقاست.»

شماره آگهی: ۹۱۰۰۳۹۲۱۶۵۹۰۰۰۱۱
تاریخ آگهی: ۱۳۹۱/۱۰/۰۴
شماره پرونده: ۳۰۶،۹۰۹/۳۰۷/۹۰۸

آگهی مزایده اموال غیرمنقول

بانک کشاورزی میبد باستناد سند قرارداد بانک شماره ۲۸۴۸۵۰۰۰۶ علیه اتحادیه شرکتهای تعاونی روستایی میبد مبادرت به صدور اجراییه نموده که پس از تشکیل پرونده به کلاسه ۹۰۹/۳۰۷ و ۹۰۸/۳۰۶ اجراییه در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۸ به مدیون ابلاغ گردیده و پس از جری تشـریفات قانونی مورد بازداشـت که عبارت است از ششـدانگ پلاک ۹۳۴۲ اصلی واقع در بخش ۲۱ یزد که در صفحه ۲۶۲ دفتر ۱۴ ذیل شماره ۱۷۸۷ با جمیع توابع و لواحق و منضمات شرعیه و عرفیه قرار دارد که حدود آن بدین شرح می‌باشد:
شمالا: دیواریست به زمین ۹۳۴۷
شرقا: دیواریست به زمین ۹۳۴۱
جنوبا: به شارع و زمینهای ۹۳۲۰ و ۹۳۳۰
غربا: دیواریست به باغهای ۹۳۴۳ و ۹۳۴۵ و ۹۳۴۶
توصیـف اجمالی ملک بدین شـرح می‌باشـد: ملک به صورت بـاغ و دارای دیوار چینه‌ای می‌باشد.به مساحت ۱۱۲۰ مترمربع که حقوق ارتفاقی عبور از نهر صحرایی که بموجب ارزیابی کارشـناس رسـمی دادگسـتری به مبلغ ۵۹۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده اسـت و در روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۲ از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهـر به قیمت پایه در قبال کلیه طلب، خسـارات متعلقه، هزینه اجرایی و حق مزایده در محل اجرای ثبت میبد به مزایده گذاشـته می‌شـود و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته خواهد شد. ضمنا هرگونه بدهی مربوط به آب، برق و گاز و تلفن اعم از حق انشـعاب و یا حق اشتراک و مصرف و نیز بدهی مالیاتی و عوارض شـهرداری و غیره تا تاریخ مزایده به عهده برنده مزایده خواهد بود و تنظیم سـند انتقال اجرایی موکول به ارایه مفاصا حساب‌های مذکور خواهد بود.

مسئول واحد اجرای اسناد رسمی میبد- محمدکریم بیگی فیروزآبادی

تاریخ انتشار: ۹۱/۱۰/۱۰

شماره آگهی: ۹۱۰۰۳۹۲۱۶۵۹۰۰۰۱۰
تاریخ آگهی: ۱۳۹۱/۰۹/۲۹
شماره پرونده: ۱۲۹/۸۸۰

آگهی مزایده مورد وثیقه

مؤسسـه صندوق پس‌انداز و قرض‌الحسـنه انصارالمجاهدین میبد باسـتناد سـند رهنی شـماره ۷۷۸۴۲ مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۷ دفتر اسناد رسمی شماره ۲۷ یزد علیه حبیب ملاصادقی مبادرت به صدور اجراییه نموده که پس از تشکیل پرونده به کلاسـه ۸۸۰/۱۲۹ اجراییـه در تاریـخ ۱۳۹۱/۴/۱ به مدیون ابلاغ گردیده و پس از جری تشـریفات قانونی مورد وثیقه که عبارت است از ششدانگ پلاک۲ فرعی از ۲۹۶۰ فرعی از ۲۶ اصلی واقع در بخش ۲۴ یزد که در صفحه ۴۴۰ دفتر ۴۹ ذیل شماره ۷۶۸۸ با جمیع توابع و لواحق و منضمات شـرعیه و عرفیه قرار دارد که حدود آن بدین شرح می‌باشد:
شمالا: بطول ۱۷،۷۰ متر دیواریست به خانه یک فرعی ۲۹۶۰ از ۲۶ اصلی
شرقا: بطول ۱۲،۷۰ متر درب و دیواریست به کوچه
جنوبا: بطول ۱۸،۳۰ متر دیواریست به خانه باقیمانده ۲۹۶۰
غربا: بطول ۱۲ متر دیواریست به خانه اخیرالذکر
توصیف اجمالی ملک بدین شـرح می‌باشـد: ملک به صورت خانه می‌باشـد دارای زیرزمیـن، همکـف قابل اسـتفاده به مسـاحت ۲۱۹ مترمربع که، حقـوق ارتفاقی ندارد، دارای کنتور آب، برق، گاز می‌باشـد که بموجب ارزیابی کارشـناس رسمی دادگسـتری به مبلغ ۴۶۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده اسـت و در روز یکشنبه مورخ ۹۱/۱۱/۱ از سـاعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر به قیمت پایه در قبال کلیه طلب، خسـارات متعلقه، هزینه اجرایی و حق مزایده در محل اجرای ثبت میبد به مزایده گذاشـته می‌شـود و به بالاترین قیمت پیشـنهادی نقدا فروخته خواهد شـد. ضمنا هرگونـه بدهـی مربوط بـه آب، برق و گاز و تلفـن اعم از حق انشـعاب و یا حق اشـتراک و مصرف و نیز بدهی مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده به عهده برنده مزایده خواهد بود و تنظیم سند انتقال اجرایی موکول به ارایه مفاصا حساب‌های مذکور خواهد بود.

مسئول واحد اجرای اسناد رسمی میبد- محمدکریم بیگی فیروزآبادی

تاریخ انتشار: ۹۱/۱۰/۱۰

شماره آگهی: ۹۱۰۰۳۹۲۱۶۵۹۰۰۰۰۸
تاریخ آگهی: ۱۳۹۱/۰۹/۲۲
شماره پرونده: ۱۳۰/۸۸۱

آگهی مزایده اموال غیرمنقول

مؤسسـه صندوق پس‌انداز و قرض‌الحسنه انصارالمجاهدین میبد باستناد سند رهنی شـماره ۷۷۴۳۹ مورخ ۱۳۸۸/۳/۲۰ دفتر اسـناد رسمی شماره ۲۷ یزد علیه حسن برزگری خانقاه مبادرت به صدور اجراییه نموده که پس از تشکیل پرونده به کلاسه ۸۸۱/۱۳۰ اجراییـه در تاریـخ ۱۳۹۱/۲/۹ به مدیون ابلاغ گردیده و پس از جری تشریفات قانونی مورد وثیقه که عبارت است از ششدانگ پلاک ۴۳۶۰ اصلی واقع در بخـش ۲۱ یزد که در صفحه ۳۳۳ دفتر ۷۱ ذیل شـماره ۶۶۹ با جمیع توابع و لواحق و منضمات شرعیه و عرفیه قرار دارد که حدود آن بدین شرح می‌باشد:
شمالا: به دیوار اشتراکی با باغ ۴۳۵۰
شرقا: به دیوار اشتراکی با باغ ۴۳۵۹
جنوبا: به ممر عام
غربا: به دیوار اشتراکی با باغ ۴۳۴۴ و ۴۳۶۱
توصیف اجمالی ملک بدین شـرح می‌باشد: ملک به صورت خانه، دارای پارکینگ، زیرزمین، دو طبقه سـاختمان به مساحت ۵۶۰ مترمربع که، حقوق ارتفاقی عبور از نهـر عمومی، دارای کنتور آب، برق، گاز می‌باشـد که بموجب ارزیابی کارشـناس رسـمی دادگستری به مبلغ ۱،۰۵۱،۴۵۰،۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده است و در روز یکشـنبه مورخ ۹۱/۱۱/۱ از سـاعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر به قیمـت پایه در قبال کلیـه طلب، خسـارات متعلقه، هزینـه اجرایی و حق مزایـده در محل اجرای ثبت میبد به مزایده گذاشـته می‌شود و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته خواهد شـد. ضمنا هرگونه بدهی مربوط به آب، برق و گاز و تلفن اعم از حق انشـعاب و یا حق اشـتراک و مصرف و نیز بدهی مالیاتی و عوارض شـهرداری و غیره تا تاریخ مزایده به عهده برنده مزایده خواهد بود و تنظیم سند انتقال اجرایی موکول به ارایه مفاصاحساب‌های مذکور خواهد بود.

مسئول واحد اجرای اسناد رسمی میبد- محمدکریم بیگی فیروزآبادی

تاریخ انتشار: ۹۱/۱۰/۱۰

آگهی فراخوان مناقصه عمومی
(نوبت دوم)

نام سازمان مناقصه‌گذار: سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
موضوع مناقصه دو مرحله‌ای: عبارت است از ۱۰ مورد نگهداری، سرویس، تعمیـرات کلیه قسـمتهای تأسیسـات مکانیکـی و الکتریکی و سـاختمانی ساختمانهای سازمان مطابق با جدول مقابل به شرح اسناد مناقصه
مهلت دریافت اسناد: از تاریخ چاپ نوبت دوم حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۹۱/۱۰/۱۸ می‌باشد.
محل دریافت اسناد: تهران- خیابان ولی‌عصر- جنب مسجد بلال- ساختمان اداری جام‌جـم طبقه چهارم- امور خرید و قراردادها- دبیرخانه کمیسـیون مناقصات اداره کل امور کالا.
قیمت اسـناد و نحـوه واریز وجه: مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ ریال به حسـاب جاری ۶۵۱۰۷۳۸۴ نـزد بانـک تجـارت شـعبه ولی‌عصر(عج)- پـارک‌وی قابل پرداخت در کلیه شعب بانک تجارت، مناقصه‌گران می‌بایست برای شرکت در هـر یک از مناقصه‌ها یک فیش جداگانه ارائه نمایند و شـرکت در کلیه مناقصات هیچ‌گونه محدودیتی ندارد.
میزان سـپرده شـرکت در مناقصه: میزان ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه بصـورت ضمانتنامه بانکی برای هر یک از مناقصات به شـرح جدول مقابل می‌باشد.
مهلـت تحویل پاکات پیشـنهادی: کلیه پاکات (الف، ب و ج) بایسـتی به صورت درب بسته درون ۱ پاکت لاک و مهر شده تا ساعت ۱۶روز یکشنبه مورخ ۹۱/۱۱/۱ به دبیرخانه کمیسیون مناقصات اداره کل امور کالا تسلیم گردد.
زمان مناقصه و محل قرائت پیشـنهادها: زمان گشـایش پاکت‌های الف و ب رأس سـاعت ۱۵ روز دوشنبه مورخ ۹۱/۱۱/۲ در دفتر معاونت محترم اداری و مالی سازمان می‌باشد.
مرحله دوم گشایش پاکت‌های ج پس از ارائه نظر کارشناسی سازمان انجام خواهد پذیرفت.
شرکت‌کننده می‌بایستی دارای مجوز صلاحیت انجام امور از مراجع ذیصلاح باشد.
- برای کسب اطلاعات بیشترباشماره تلفن ۲۲۱۶۷۴۷۹ تماس حاصل نموده و یا به سایت: **http://iets.mporg.ir & www.iriboffice.ir/tenders** مراجعه نمایید.

جدول مشخصات نگهداری ساختمان و تأسیسات ساختمان‌های سازمان

ردیف	موضوع مناقصه	شماره مناقصه	میزان سپرده
۱	نگهداری، سرویس و تعمیرات ساختمان وتأسیسات ساختمانهای ناحیه ۲(جام‌جم)	۹۱/۴۰	۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰
۲	نگهداری، سـرویس و تعمیرات ساختمان و تأسیسات ساختمانهای ناحیه۸(جام جم)	۹۱/۴۱	۲۴۰/۰۰۰/۰۰۰
۳	نگهداری، سرویس وتعمیرات ساختمان و تأسیسات ساختمانهای شهرک سینمایی غزالی	۹۱/۴۲	۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰
۴	نگهداری، سرویس و تعمیرات ساختمان و تأسیسات ساختمانهای مرکز پویانمایی صبا	۹۱/۴۳	۱۱۰/۰۰۰/۰۰۰
۵	نگهداری، سـرویس، تعمیرات و راهبری کلیه تجهیزات منصوبه پست اختصاصی ۶۳ کیلوولت ایسـتگاه فرستنده رادیویی بعثت (کمال‌آباد)	۹۱/۴۴	۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰
۶	نگهداری، سرویس و تعمیرات ساختمان و تأسیسات سـاختمانهای مجموعه الوند (شبکه دو)	۹۱/۴۵	۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰
۷	نگهداری، سرویس و تعمیرات ساختمان و تأسیسات ساختمانهای ایستگاه رادیویی دشت قزوین	۹۱/۴۶	۱۳۵/۰۰۰/۰۰۰
۸	نگهداری و سرویس ادواری ۴۹ دستگاه UPS در ۱۸ مرکز استان	۹۱/۴۷	۹۰/۰۰۰/۰۰۰
۹	نگهداری و سرویس ادواری ۲۲ دستگاه UPS در ۱۱ مرکز استان	۹۱/۴۸	۶۰/۰۰۰/۰۰۰
۱۰	نگهداری، سرویس و تعمیرات ساختمان و تأسیسـات سـاختمانهای موتورخانـه مرکزی جام‌جم	۹۱/۴۹	۲۱۰/۰۰۰/۰۰۰

(اداره کل امور کالا)

شماره ابلاغیه: ۹۱۱۰۱۰۶۱۱۱۷۰۷۹۰۸
شماره بایگانی شعبه: ۹۰۰۴۵۱
تاریخ تنظیم: ۱۳۹۱/۱۰/۷
پیوست:

ابلاغ وقت رسیدگی

خواهان فاطمه راسه دادخواستی به طرفیت خواندگان ناهید نداوی و پوران نداوی و بهرام نداوی و هوشـنگ نداوی و نادیا نداوی و شهرام نداوی به خواسـته مطالبه دیه تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرستان، اهواز نموده که جهت رسـیدگی به شـعبه چهاردهم دادگاه عمومی (حقوقی) شهرسـتان اهـواز واقـع در اهواز- خرم کوشـک- ابتدای نیوسـاید- مجتمـع قضایی شـهید تندگویـان (انرژی) ارجـاع و به کلاسه ۹۰۰۹۹۸۶۱۱۱۷۰۰۴۴۳ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۱۳۹۲/۲/۸ و سـاعت ۹/۳۰ تعیین شده است. به علت مجهول‌المکان بودن خوانده و درخواسـت خواهان و بـه تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسـی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتـب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشـار آگهی می‌شـود تا خوانده پس از نشـر آگهـی و اطلاع از مفاد آن بـه دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشـانی کامل خود نسـخه دوم دادخواسـت و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.

مدیر دفتر شعبه چهاردهم دادگاه عمومی(حقوقی) شهرستان اهواز- فاطمه پناهی

کد درخواست: ۱۷۷۹۲۲۱

آگهی تغییرات شرکت رویان صنعت ایرانیان سهامی خاص به شماره ثبت۲۸۱۱۱۵و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۸۶۳۲۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۱/۰۶/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ -موسسـه حسابرسـی آروین پیام به عنوان بازرس اصلی، آقای محمد عابدینی به شـماره ملـی ۰۹۳۸۶۷۰۶۷۰ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.
۲ -اعضـاء هیئـت مدیره تـا تاریخ ۱۳۹۳/۰۶/۱۵ بـه قرار ذیل انتخاب گردیدند:
آقـای فـرزاد صدیقی تنکابنی به شـماره ملـی ۳۳۶۹۵۸۲۱۴۵ و آقای بهزاد صدیقی تنکابنی به شماره ملی ۲۲۱۹۵۱۴۲۶۹ و آقای اسـماعیل‌نژاد حسـن کماچالی به شـماره ملی ۶۶۳۹۵۲۸۴۱۱ و شرکت آریا ماروس جم سهامی خاص به شماره ثبت ۴۰۶۶۷۹ با نمایندگی آقای محمد صادق آریا تا تاریخ ۱۳۹۳/۰۶/۱۵.
۳ -ترازنامـه و حسـاب‌های سـود و زیان سـال مالـی منتهی به ۱۳۹۰/۱۲/۲۹ به تصویب رسید.
در تاریخ ۱۳۹۱/۰۸/۰۶ ذیل دفتر ثبت شـرکت‌ها و موسسـات غیرتجاری ثبت و مورد تایید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری واحد ثبتی تهران

م الف ۹۰۶۶۴

نوبت اول

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب سـحر ایل‌بیگـی دهکردی فرزند رحمان به شـماره شناسـنامه ۴۳۷۴ صادره از شـهرکرد در مقطع کارشناسی پیوسته رشته ریاضی کاربردی صادره از واحد دانشگاهی مبارکه دانشنامه به شماره ۱۴۸۷۱۹۰۰۰۳۴۵ / ۸۷/۱۰/۳۰ مفقود شده و فاقد اعتبار می‌باشد از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه ارسال نماید.

شماره درخواست: ۹۱۱۰۴۶۶۱۱۴۷۰۰۰۴۵
شماره بایگانی شعبه: ۹۱۰۶۹۴
تاریخ تنظیم: ۱۳۹۱/۹/۲۷

در پرونـده کلاسـه ۹۱۰۹۹۸۶۱۱۴۷۰۰۶۵۸ خانـم معصومـه رضوانی بـه اتهام توهین و فحاشـی موضوع شـکایت خانمها شقایق و شعله بلمچی تحت تعقیب این مرجع می‌باشـد. به واسـطه معلوم نبودن محل اقامت نامبـرده به تجویـز مـاده ۱۱۵ قانون آئین دادرسـی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مراتب در روزنامه آگهی تا ظرف سـی روز از تاریخ انتشار آگهی در شعبه هشـتم بازپرسی دادسـرای عمومی و انقلاب اهواز واقع در مجتمع قضائی شماره دو (قدس) حاضر و از اتهام انتسـابی دفاع نماید. در صورت عدم حضور در موعد مقرر، رسیدگی و اظهار عقیده می‌گردد.

مدیر دفتر شعبه هشتم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب اهواز - حیدری

اهواز- بلوار قدس (لشکر)- روبروی دادسرای نظام- مجتمع قضایی قدس (حوزه شماره۲)

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در شهرستانها

متقاضیان محترم می توانند با توجه به جدول روبرو نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به **حساب ۰۱۰۶۷۱۳۵۹۵۰۰۹(سیبا)** بانک ملی شعبه سعدی جنوبی کد۶۹ به نام مؤسسه کیهان (آقای حسین شریعتمداری) و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به **صندوق پستی ۱۱۳۶۵/۳۶۳۱** با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

توجه:
۱- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمائید.
۲- در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی ، معادل مبلغ پرداخت شده ، نشریه مورد تقاضا ارسال میگردد.
۳- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه ، برای هرکدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
مجله کیهان بچه ها	۲۹۰۰۰۰	۱۴۵۰۰۰	۷۲۵۰۰
مجله کیهان ورزشی	۴۹۰۰۰۰	۲۴۵۰۰۰	۱۲۲۵۰۰
مجله زن روز	۴۹۰۰۰۰	۲۴۵۰۰۰	۱۲۲۵۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۱۳۵۰۰۰	—	—
مجله کیهان کاریکاتور	۱۶۵۰۰۰	—	—

فرم تقاضا

نام:............ نام خانوادگی:.................. نوع نشریه:.................. تعداد نسخه :......... مدت:............
مبلغ پرداختی: ....ریال نام و کد شعبه: .... شماره فیش بانکی: .... تلفن: ....
آدرس ....
.... کد پستی: .... ایمیل ....
امضاء

واحد آبونمان موسسه کیهان

تلفن واحد آبونمان: ۳۳۹۱۳۲۲۸-۰۲۱ نمابر: ۳۳۹۱۰۹۲۲ ۰۲۱ ایمیل: int-affairs@kayhannews.ir

زن روز

اولین نشریه مخصوص بانوان
با مطالب متنوع و خواندنی شنبه‌ها بصورت سراسری منتشر می گردد

آگهی تصمیمات شرکت گروه عمران و مسکن سازه پایدار قرن سهامی خاص به شماره ثبت۸۳۹۵۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۸۵۴۵۷

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۷/۳۰ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۸/۲۰واصل گردید: ترازنامه و حسـاب سـود و زیان سـال مالی ۹۰ به تصویب رسید. موسسه حسابرسـی و خدمات مالی ارقام‌نگر آریا به شناسـه ملی ۱۰۱۰۰۶۱۷۶۳۲ به سمت بازرس اصلی و موسسه خدمات حسابداری و مشاوره مدیریت امین محاسب قرن به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۸۴۶۹۶ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار کیهان جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

م الف ۹۰۶۵۶